جمهوری اسلامی و دیپلماسی اتمی

صلاح مازوجی

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در نشست ۱۸ سپتامبر خود، دو ماه به رژیم جمهوری اسلامی فرصت داده است تا هرگونه فعالیت مربوط به غنی سازی اورانیوم بمنظور دستیابی به سوخت هسته‌ای را متوقف کرده و کلیه ناروشنی‌ها و ابهامات در مورد برنامه‌های اتمی خود را برطرف کند.

سران جمهوری اسلامی از خاتمی گرفته تا دیگر مقامات حکومتی در مقابل گسترش این فشارهای بین‌المللی مرتبا اصرار می‌ورزند که برنامه‌های اتمی آنها صلح آمیز هستند، اما رفتار آنها با بازرسان اعزامی از جانب آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ممانعت‌ها و محدودیت‌هایی که بر سر راه فعالیت آنها ایجاد کرده‌اند، نه تنها خشم محافظه‌کاران کاخ سفید را برانگیخته و دولت اسرائیل را نگران کرده است، بلکه دولت‌های اروپایی دوست رژیم جمهوری اسلامی نیز با دیده شک و ناباوری به این ادعاهای سران رژیم می‌نگرند.

دولت‌های بریتانیا، آلمان و فرانسه در مقابل فشارهای دولت آمریکا مبنی بر در پیش گرفتن اقدامات شدیدتر علیه جمهوری اسلامی بیش از یکسال است تلاش می‌کنند، سران رژیم اسلامی را برای متوقف ساختن برنامه‌های غنی‌سازی اورانیوم متقاعد کنند. اما عملکردهای حکومت ایران در این زمینه و اخباری که از ایران می‌رسد کاسه صبر آنها را نیز لبریز کرده است.

بنا به گزارش‌ها جمهوری اسلامی ساخت و آزمایش سانتریفوژها که در غنی‌سازی اورانیوم کاربرد دارند را ادامه داده است. روزنامه‌های ایران همچنین روز سه‌شنبه ۲۱ سپتامبر یعنی تنها ۳ روز بعد از نشست آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اعلام کردند که پروژه تبدیل کردن ۴۰ تن اکسید اورانیوم به گاز هگزافلورید اورانیوم را آغاز کرده است، این گاز ماده خام برای تولید اورانیوم غنی شده است. اعلام این اخبار آشکارا تحریک آمیز از جانب روزنامه‌های دولتی ایران نشان از آن دارد که جمهوری اسلامی دیپلماسی اتمی‌اش را با برنامه پیش می‌برد.

در این کارزار دیپلماسی اتمی نیازی به گفتن نیست که نه آمریکا و نه اروپا اصولا با تولید سلاح‌های اتمی مخالفتی ندارند، اما تولید این سلاحها باید در انحصار همین دولتها و متحدین و

هم پیمانان خودشان باقی بماند. جمهوری اسلامی مسلح به بمب **اتمی** موازنه قدرت در منطقه را برهم می زند و این با منافع استراتژیک غرب سازگاری ندارد. اگر در این میان دولت های اروپایی در مقابل فشارهای دولت آمریکا برای دست زدن به اقدامات تنبیهی علیه ایران از خود مقاومتی نشان داده اند تنها به این دلیل است که در دستور قرار دادن اقدامات تنبیهی که محاصره اقتصادی علیه ایران یکی از محتمل ترین آنهاست با منافع اقتصادی اروپا که در چندین سال گذشته مناسبات اقتصادی گسترده ای با ایران برقرار کرده و کمپانی های اروپایی سرمایه های کلانی به این کشور سرازیر کرده اند خوانایی ندارد. اروپا و آمریکا علیرغم اختلاف تاکتیکی در این زمینه به تجربه دریافته اند که در این مورد نباید با اغماض برخورد کنند.

اگر آمریکا و اروپا زمانی در مقابل برنامه های اتمی پاکستان سیاستی قاطع اتخاذ نکرده و عملا از پروژه های اتمی آن چشم پوشی کردند شاید بیشتر بدان دلیل بود که می خواستند در منازعه کشدار هند و پاکستان بر سر کشمیر تعادلی نظامی برقرار کنند. اما اکنون که شاخک های حسی آنان فعالتر شده اند و خطر اسلام سیاسی در پاکستان را حس می کنند بسیاری از سیاست مداران غربی خود را به دلیل اغماض کاری هایشان سرزنش می کنند. بی جهت نیست که «بارک اوباما» یکی از نامزدان سنای آمریکا دو هفته پیش در مصاحبه با روزنامه شیکاگو تریبون گفته است که اگر ژنرال پرویز مشرف رئیس جمهور پاکستان در یک کودتا از جانب اسلام گرایان از قدرت ساقط شود، آمریکا مجبور است وارد عمل شده و بمب های هسته ای را از این کشور خارج کند و یا با حمله نظامی آنها را نابود کند.

اما در مورد ایران مسئله فرق می کند، ایران تنها کشور عضو سازمان کشورهای صادر کننده نفت «اپک» است که برنامه هسته ای شامل احداث نیروگاه اتمی دارد. رابطه جمهوری اسلامی با جریانات تروریست اسلامی و حزب الله لبنان بر کسی پوشیده نیست، سران این رژیم تاکنون با طرح های باصطلاح صلح امریکا برای پایان دادن به بحران فلسطین مخالفت ورزیده اند، در پروژه های امریکا و متحدینش برای ایجاد ثبات مورد نظرشان در عراق کارشکنی می کنند و با تحریک هر از چند گاه شیعییان تحت رهبری مقتدا صدر در پی آنند تا موقعیت بهتری برای اعمال نفوذ در سیاست عراق داشته باشند. به این دلایل رژیم اسلامی مسلح به سلاحهای اتمی برای غرب قابل تحمل نیست.

جمهوری اسلامی از تلاش برای دستیابب به سلاح اتمی استراتژی بقای خود را تعقیب می کند. سران حکومت ایران مدتهاست که رویای صدور انقلاب اسلامی و برهم زدن نقشه ژئوپولتیک منطقه را به بایگانی سپرده اند. نه خیال نابودی اسرائیل را دارند نه حمله به ناوهای جنگی امریکا در منطقه. اگر سران رژیم اسلامی بعد از بحران کویت ۱۹۹۱_۱۹۹۰ در این تصور بودند که با خروج نیروهای

امریکایی به اولین قدرت نظامی منطقه تبدیل می‌شوند، وقایع بعد از جنگ افغانستان و اشغال عراق این خواب را هم از سر آنان پرانده است. اکنون ایران عملا با حضور نیروهای نظامی امریکا در افغانستان و عراق و استقرار در پایگاه‌های نظامی ترکیه و کشورهای آسیای میانه در محاصره نیروهای امریکایی بسر می‌برد.

اگر در گذشته انحصار سلاح اتمی منطقه در دست اسرائیل همواره توجیهی برای ایران برای دستیابی به جنگ افزار اتمی بوده، اکنون میلیتاریزه شدن بیشتر منطقه توسط نیروهای امریکایی و ستیابی پاکستان به سلاح اتمی تلاشهای جمهوری اسلامی برای ساخت اسلحه اتمی را تشدید کرده است.

جمهوری اسلامی همزمان با اجرای برنامه‌های هسته‌ای خود دیپلماسی نقشه‌مندی را جهت رسیدن به اهداف از قبل تعیین شده پیش می‌برد. جمهوری اسلامی از آمریکا و اروپا انتظار دارد به تناسب نیرو و توانایی که دارد در معادلات منطقه‌ای وی را دخیل کرده و برایش حساب باز کنند و سهم وی را برسمیت بشناسند. سران جمهوری اسلامی گذشته از انتظار گرفتن امتیازات اقتصادی از دولت‌های اروپایی می‌خواهند که در عرصه‌هایی مانند حقوق بشر مزاحمتی برای وی ایجاد نکنند. اگر چه فشارهای غرب بر جمهوری اسلامی در زمینه حقوق بشر بسیار محدود و حساب شده بوده است اما رژیم اسلامی که بر امواج نفرت و انزجار عمومی حاکمیت خود را ادامه می‌دهد در این رابطه خود را آسیب‌پذیر می‌داند. جمهوری اسلامی برای رسیدن به اهداف خود از فرصتی که به وی داده شده و از شکاف دیپلماسی دولت‌های اروپایی و آمریکا نهایت استفاده را خواهد برد.

در مقابل اروپا و آمریکا بر فشارهای خود می‌افزایند، مقامات کاخ سفید تاکنون بارها بر ضرورت در پیش گرفتن اقدامات شدیدتر علیه ایران تاکید کرده‌اند. روزنامه‌های اسرائیل متحد استراتژیک آمریکا در منطقه این روزها آشکارا از ضرورت حمله نظامی به تاسیسات هسته‌ای ایران دفاع می‌کنند و همزمان مقام‌های سیاسی و نظامی این کشور، جمهوری اسلامی را بزرگترین تهدید علیه موجودیت خود و نظام بین‌المللی معرفی می‌کنند. در همین رابطه مطبوعات غرب بارها خاطره بمباران نیروگاه اتمی «اوسیراک» عراق در سال ۱۹۸۱ توسط جنگنده بمب افکن‌های اسرائیلی را یادآور شده‌اند. هر چند هیچگاه نباید ظرفیت ماجراجویی دولت اسرائیل را از نظر دور داشت اما نابودی همه مراکز اتمی ایران در یک عملیات محدود و برق آسا کار ساده‌ای نیست.

ایران بیش از ۲۰ تاسیسات اتمی دارد و نابودی همه این مراکز در یک حمله هوایی ضعیف است، بنابراین حمله به ایران اگر حتی با اهداف محدود انهدام تاسیسات هسته‌ای هم صورت بگیرد بلافاصله به یک جنگ گسترده تبدیل می‌شود و چنین جنگی بدون اطلاع و دخالت آمریکا محتمل نیست و از

آنجا که آمریکا اکنون در باتلاق اشغال عراق دست و پا می‌زند و مشروعیت سیاست‌های جنگ‌طلبانه‌اش بیش از هر زمان دیگری به زیر سوال رفته است، بعید است که خواهان باز کردن جبهه جنگی تازه‌ای باشد. دولت اسرائیل اگر بدون حمایت نیروی هوایی آمریکا دست به چنین ماجراجویی نظامی بزند خود را مورد هدف موشک‌های دوربرد ارتش جمهوری اسلامی که با کمک روسیه ساخته شده‌اند و قادر به حمل کلاهکی هزار کیلوگرمی هستند و براحتی می‌توانند اهدافی را در داخل خاک اسرائیل نشانه بروند قرار خواهد داد و از این گذشته حزب الله خفته لبنان، مسلح به سلاح‌های سنگین را بیدار خواهد کرد و مرزهای شمالی خود را ناامن خواهد ساخت.

جمهوری اسلامی بدون آنکه لازم باشد تبلیغات جنگی اسرائیل علیه آن بکار گرفته شود مجبور خواهد شد که پرونده دیپلماسی اتمی‌اش را ببندد و یا حداقل برای مدت نامعلومی آن را به بایگانی بسپارد، چون بیش از این شانه بالا انداختن در مقابل تصمیمات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و فشارهای دولت‌های غربی ایران را با تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی روبرو خواهد کرد که این با منافع طبقه سرمایه‌دار ایران که خواهان ادغام هر چه بیشتر سرمایه‌داری ایران در بازار سرمایه جهانی هستند خوانایی ندارد. جمهوری اسلامی که برای تداوم حاکمیت خودش به طبقه سرمایه‌دار ایران متکی است نمی‌تواند به این نیاز بورژوازی ایران بی‌توجه باشد. جمهوری اسلامی ضمن ادامه چانه‌زنی‌های پشت پرده برای گرفتن امتیازات بیشتر راه عقب‌نشینی را در پیش خواهد گرفت و به احتمال زیاد با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به توافق خواهد رسید. اما این به معنای دست برداشتن سران جمهوری اسلامی از بلند پروازی دستیابی به سلاح‌های اتمی نخواهد بود. سران رژیم در خفا پروژه‌های اتمی خود را پی می‌گیرند، این کار اگر چه دشوار است اما انجام آن در سرزمینی پهناور چون ایران غیر ممکن نیست. نیروهای سوسیالیست و انسان‌های آزادیخواه نه تنها باید فعالیتهای جمهوری اسلامی برای دستیابی به سلاحهای هسته‌ای و اهداف پشت پرده دیپلماسی اتمی‌اش را افشا کنند، بلکه عواقب فاجعه بار انسانی و زیست محیطی استقرار تاسیسات هسته‌ای و پروژه غنی سازی اورانیوم را برای مردم توضیح دهند. بسیاری از دانشمندان بر این باورند که استفاده از نیروهای هسته‌ای برای تهیه بخار و تولید برق از آن از نظر زیست‌شناسی و بیولوژیکی خطرناکترین شیوه تولید الکتریسیته در دنیا بحساب می‌آید.

در این میان برخی از جریانات و عناصر ناسیونالیست و عظمت‌طلب ایرانی به بهانه یکجانبه نگری دولتهای آمریکا و اروپا در فشار آوردن به جمهوری اسلامی، عملا سیاست حمایت از تلاشهای رژیم اسلامی را در پیش گرفته‌اند، این نوع موضع گیری‌ها در تقابل آشکار با منافع توده‌های مردم ایران قرار دارد و باید رسوا گردد.

صلح طلبی دولت آمریکا و اروپا که خود به اندازه چند بار ویران کردن جهان سلاح اتمی در انحصار دارند مشروعیت ندارد. دولت آمریکا از مقطع ساقط کردن رژیم عراق تاکنون هزاران تن باروت بر سر مردم عراق ریخته است و از طرف دیگر زمینه را برای رشد جریانات تروریسم اسلامی و انداختن آنان به جان مردم بیگناه فراهم آورده است. دولت آمریکا هنوز هم شارون این افعی خون‌آشام را که در وحشیگری علیه مردم ستمدیده فلسطین هیچ مرزی نمی‌شناسد ابرمرد صلح خاورمیانه می‌نامد. باید پرده از روی این صلح‌خواهی دروغین برداشت و نگذاشت مرتجعین و کوته‌فکران سیاسی که برای خزیدن به قدرت به دخالت آمریکا چشم دوخته‌اند بار دیگر نغمه دمکراسی خواهی و صلح خواهی آمریکا را سر دهند.

جنبش سوسیالیسم کارگری در پیوند و همبستگی با دیگر جنبش‌های آزادیخواهانه در ایران با پیشروی خود نه تنها می‌توانند بساط جمهوری اسلامی و نیروگاههای هسته‌ای‌اش را برچیند بلکه در هم سرنوشتی و همبستگی با جنبش صلح جهانی می‌تواند سهم خود را در پایان دادن به جنگ افروزی‌های امپریالیستی و رهایی بشریت از خوف و هراس مسابقات تسلیحات اتمی ایفا کند.

سپتامبر ۲۰۰۴

برگرفته از جهان امروز شماره ۱۳۵